

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

منتقد تورم ۳۵ درصدی؛ مفتخر به تورم ۹۰ درصدی

درست در روزهایی که دلار از مرز ۲۰۰ هزار تومان عبور کرده و گزارش‌های رسمی از رسیدن تورم مصرف‌کننده به مرز ۹۰ درصد و تورم تولیدکننده به آستانه ۱۰۰ درصدی حکایت می‌کند، عبدالناصر همتی با تمجید از سیاست‌های بانک مرکزی، مدعی «مهار شجاعانه تورم» شد. همتی که در دولت گذشته، در شرایطی که تورم به مراتب کم‌تر و البته نزولی بود، خواستار عذرخواهی شهید رئیسی به دلیل تک‌رقمی نشدن تورم شده بود، اکنون با افتخار، «نرسیدن به محدوده ابرتورم» را نشانه موفقیت خود و نشانه ثبات نسبی اقتصاد عنوان می‌کند.

۵



رهبر انقلاب در پیام‌هایی جداگانه به مناسبت هفته وحدت و دولت از بیان و برجسته‌سازی ضعف و تفرقه‌افکنی انتقاد کردند

تذکر علنی به وحدت شکنی وضعیف‌نمایی

۲



درباره حواشی اظهارات اخیر قائم‌پناه؛

عبور دولت از غنی سازی؟

۳

آدرس غلط فرزند پزشکیان درباره علت جنگ؛

نسخه تسلیم از پاس‌تور

۷



سرنخ‌هایی از یک ماموریت سمی

محمد ایمانی
فعال رسانه‌ای

صفحه ۴

اقتصادی

کمی بود بنزین نداریم مساله بی برنامه‌گی است

اظهار نظر در خصوص ناترازی بنزین نه تنها به حل مشکل کمک نکرد، بلکه به آن دامن زد. یک روز صحبت از تغییر سهمیه‌ها بود، روز دیگر قیمت‌های جدید مطرح می‌شد.

صفحه ۶

تاریخ

رازهایی از پرونده مسعود

یکی از نخستین گام‌های نفوذ کشمیری به نهادهای دولتی، از حکمی بود که مسئول دفتر مهندس بازرگان به او داد تا اجازه دسترسی به پرونده‌های نیروهای هوایی را داشته باشد. طبق این حکم، کشمیری به اسناد طبقه‌بندی شده تارده «به کلی سری» دسترسی داشت.

ویدئویی ۴۵ ثانیه‌ای از جلسه چند هفته قبل دولت را بیرون داده اند که در آن، آقای پزشکیان به آقای جبلی می‌گوید: من اصلاً صداوسیما را نگاه نمی‌کنم؛ وقتی می‌بینم اعصابم خراب می‌شود. من که زندگی‌ام را می‌خواهم برای نظام بگذارم این نگاه را پیدا کرده‌ام، ببینید مردم چه نگاهی دارند! این پروژه، دستپخت کیست؟ چه کسانی بلافاصله پس از تأکید رهبر انقلاب بروحدت و انسجام در برابر دشمن، حرف‌های تاریخ گذشته را به بیرون درز داده اند؟

متن کامل در صفحه ۲

رهبر انقلاب در پیامی به مناسبت هفته دولت از بیان و برجسته‌سازی ضعف و نقص و کمبود انتقاد کردند

ضعیف‌نمایی کمک به دشمن است

سعی میکند این‌طور القاء کند که مسیر آبادانی و پیشرفت از تبعیت از او و خواسته‌های تابجایش میگذرد؛ در حالی که مشاهده‌ی آنچه او در ادوار گذشته حتی سالها قبل از انقلاب اسلامی بر سر این کشور و منابع آن آورده، خلاف این را نشان می‌دهد. و از جمله مسائل و موضوعات مهم دیگر، بکارگیری فناوریها و نوآوریهای پیشنهاد شده توسط نخبگان جوان است. گاه استفاده‌ی به‌موقع از این مزیت و ترک روال معمول و عادت‌های مرسوم در یک موضوع، جهش‌های مؤثری در مسیر ترقی و تعالی کشور صورت میدهد. این امر در انواع شعب تولید قدرت اعز از کشاورزی و صنعت و فرهنگ و تربیت، امور ارتباطاتی و اجتماعی قابل تصور است.

و باز از جمله مسائل اساسی کشور که همیشه باید در مرکز توجه دولت و دولتیان و همدیگر مسئولین و اجزای حکومتی قرار داشته باشد، رعایت وحدت و مراقبت از انسجام اجتماعی است. هر اقدام در هر یک از کلان‌عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، و اقتصادی باید با ملاحظاتی پیوسته مربوط به انسجام اجتماعی صورت بگیرد.

بی‌تردید هر سخن ناامیدکننده و تضعیف‌کننده‌ی انگیزه‌های ملی و عمومی و هر نوع دوگانه‌سازی موهوم از قبیل جنگ یا مذاکره، وفاق یا تندی، سازش یا جنگ طلبی که در گذشته به مردم عزیزمان خسارتهایی بی‌واسطه یا با واسطه وارد ساخته، از این پس هم میتواند همان تأثیر را به‌جا بگذارد. لذا بنده قاطعانه اعلام میکنم که ارتکاب هر آنچه به‌ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است.



امیرحسین درکی
روزنامه‌نگار

بیان صادقانه ضعف‌های خود در وقتی که دشمن به روحیه نیاز دارد، کمک بزرگی به او است و ای بسا دل‌های دوستان و همراهان را دچار نگرانی نموده و ایشان را سرگردان و متحیر سازد. بلی، هرگاه شنونده‌ی این بیان‌های صادقانه تنها مردم و دلسوزان ما باشند، اشکال تقلیل می‌یابد. اما قوت و قدرت و نقاط مثبت به‌موجب آموزه‌ی قرآنی «و اقا بنیعقوب ریگا فخذت» نیازمند روایت و برجسته‌سازی است.

مردم عزیز ایران که در شش‌ماه گذشته عیار حقیقی خود را در جلوه‌های مختلف جهاد با دشمن، حضور در میادین، انسجام و همدلی و همراهی خود آشکار نموده‌اند، شایسته و مستحق آن هستند که خدمتگزاری قوا و دستگا‌های مسئول در جمهوری اسلامی در مسیر رسیدن به سطح مطلوب این نظام مقدس و شأن‌الای ملت مبعوث شده را حس نمایند.

دشمن قسم خورده‌ی این ملت،

از آن در مسیر تأمین گالاهای و انواع خدمات مورد نیاز مردم، ترمیم نقاط مهم آسیب‌دیده و مدیریت انرژی صورت داده‌اند. همچنین جفا دارد یاد رؤسای جمهور شهید رجایی و رئیسی و نخست‌وزیر شهید باهنر و کارکنان و مدیران و وزرای شهید در ادوار مختلف دولت، و در رأس همه رهبر عظیم‌الشأن شهید که مدّت قریب به دو دوره منصوبی ریاست جمهوری بودند را گرامی داشته برای همه ایشان علو درجات و عنايات الهی را مسألت نمائیم.

در دوران کنونی و شرایط خطیر و پیچیده‌ای که وصول به «ایران هرچه قوی‌تر» با آن روبرو است، یکی از امور ضروری برای دستیابی به این هدف، علاوه بر تلاش شبانه‌روزی و ابتکار مستمر، تبیین و روایت قدرت و قوت ایران و ملت عزیز آن می‌باشد.

ضعف و نقص و کمبود، نیازمند روایت و برجسته‌سازی نیست؛ بلکه نیازمند برنامه‌ریزی و اقدام برای رفع و حل مشکل است. گاه

حضرت آیت‌الله‌عزیز مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت هفته دولت بر لزوم تبیین و روایت «قدرت و قوت ایران» و برجسته‌سازی آن و پرهیز از هرگونه سخن «تاامید کننده و تضعیف‌کننده انگیزه‌های ملی و عمومی» و «دوگانه‌سازی‌های موهوم» تأکید کردند.

در بخش‌هایی از متن پیام رهبر معظم انقلاب آمده است:

بنده در این فرصت به همدی کارکنان و مدیران فعال دستگاه‌های دولتی و به‌خصوص رئیس‌جمهور صادق و دلسوز دولت چهاردهم تبریک و خدقوت میگویم. خصوصاً با توجه به اقدامات شایسته‌ای که به‌رغم محدودیتها و دسیسه‌های گوناگون دشمن امریکایی-صهیونی و تشدید تحریمها و محاصره‌ها، در طول جنگ تحمیلی سوّم و پس

پیام رهبر انقلاب به مناسبت هفته وحدت

اتحاد، دفاع از یکدیگر و هم‌افزایی مسلمین؛ ۳ درس مکتب اسلام

درس اوّل مکتب اسلام در مورد نوع مواجهه با دشمن و دوست است. اما درس دوّم آن، دفاع از یکدیگر در مقابل کفر و درس سوّم، انواع همکاریها و هم‌افزاییها در مسائل مختلف زندگی مادی و معنوی مسلمانان از لحاظ ثروت، امنیت، علم و پیشرفت است که انتهای این مسیر، وصول به تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

بنابراین وحدت بین مسلمین سنگ بنای اصلی برای دستیابی به تمدن اسلامی عزیز و غالب است. این پستی و بلندی و فکری که آرزوی ما برای عالم اسلام در آن نهفته است، به توبه‌ی خود تا حدّ قابل قبولی در ایران عزیز، صورت تحمّق یافته و باز توصیه‌ی این خادم به اتحاد ملت آن است که به هیچ وجه اجازه‌ی بروز هیچ اختلافی را در بین خود ندهند.

شناسید و نقشه‌اش را در یافته، با آن مقابله نمایند. علاج مشکلات ائت اسلامی، اتحاد کلمه، دوستی و تعاون در مسیر خیر و نیکی است. حاکمان جنایتکار امریکا و نظام جعلی صهیونی دشمنان قسم خورده این اتحاد و دوستی هستند. آنان فقط دشمن جمهوری اسلامی و ملت ایران و جبهه‌ی عظیم مقاومت اسلامی نیستند؛ بلکه با همدی ائت اسلام و از جمله ملت‌های غرب آسیا و شمال افریقا دشمنی دارند و در این امر حتی حاکم این کشورها که بسیاری از ایشان همکار آنان محسوب می‌شوند، از این امر مستثنی نمی‌باشند؛ همچنان که بی‌احترامی علنی و به‌کار بردن تعابیر زشت نسبت به بعضی از سران کشورهای اسلامی از سوی رؤسای استخبارات، در حافظه‌ی نزدیک شما و ما موجود است.

درس مهمّ اتحاد و عدم تنازع،

افتادن نقاب‌های فریبنده از چهره جنایتکار امریکا، اتحاد امت اسلامی و دفاع از یکدیگر در مقابل کفر و هم‌افزایی در مسائل مختلف

مادی و معنوی را ضروری برشمرند. در بخش‌هایی از این پیام آمده است: توصیه مؤثّر و مکرر این جانب به حاکم کشورهای اسلامی خصوصاً کشورهای منطقه غرب آسیا و حاشیه خلیج فارس این است که دشمن واقعی خود را

حضرت آیت‌الله‌عزیز مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت هفته وحدت، بر تامة

بدخواهان و دشمنان اسلام را برجسته‌سازی اختلافات برای تضعیف امت اسلامی و تسلط بر آن خواندند و با اشاره به



یادداشت

سرنخ‌هایی از یک ماموریت سیمی

محمد ایمانی
فعال رسانه‌ای

ویدئویی ۴۵ ثانیه‌ای از جلسه چند هفته قبل دولت را بیرون داده‌اند که در آن، آقای پزشک‌های به آقای جیلی می‌گوید:

من اصلاً صد اوسیم را نگاه نمی‌کنم؛ وقتی می‌بینم اوسیم خراب می‌شود. من که زندگی‌ام را می‌خواهم برای نظام بگذارم این نگاه را پیدا کرده‌ام، ببینید مردم چه نگاهی دارند!

این پروژه، دستپخت کیست؟ چه کسانی بلافاصله پس از تأکید رهبر انقلاب بر وحدت و انسجام در برابر دشمن، حرف‌های تاریخ گذشته را به بیرون درز داده‌اند؟

هدف از دامن زدن به دودستگی در فضای عمومی، و مشغول‌سازی مردم در اوج تهدیدات دشمن چیست؟ چه کسانی پشت ماجرا هستند؟ دکتر رئیس‌جمهور و برخی معاونان آن؟ رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت؟ یا برخی عناصر پدید سابقه که در این حلقه‌ها نفوذ کرده‌اند؟

آیا مثلاً آقای پزشک‌های، وزیران اقتصاد و صمت و کشاورزی و رئیس کل بانک مرکزی و دیگر مدیران اقتصادی دولت را هم مورد بازخواست قرار می‌دهد و می‌توپد؟ یا همه چیز کل و بیل است و فقط صدا و سیما ایراد دارد؟! اگر رئیس‌جمهور درست یا نادرست، تذکری هم به اعضای دولت بدهد، آیا متولیان اطلاع‌رسانی دولت، از آن سوزه رسانه‌ای برای حمله به دستگاه مورد نظر می‌سازند و ویدئو منتشر می‌کنند؟!

آیا این طیف مرموز، خبر ندارند که یکی از انتقاد‌های مردم از صدا و سیما، مراعات بیش از حد مدیران دولتی و عدم انعکاس گلایه‌هاست؟ از طرف دیگر، باید پرسید کدام مشاوران، مشورت‌های مسموم و مطلقاً منفی می‌دهند که بخش مهمی از سخنرانی‌های آقای پزشک‌های، رنگ و بوی اظهار تعجز و ناتوانی و نداریم و نمی‌شود و نمی‌توانیم و چه کنیم، پیدا می‌کند؟!

حتی اگر مصلحت بر مذاکره دوباره بود و بدهد‌ی‌های دشمن را نادیده می‌انگاشتم، این خود تضعیف‌نمایی چه کمکی می‌کند؟ قدرت چارنه‌زنی می‌ساخت یا توان چانه زنی را از بین می‌برد؟ چرا باید مقابل دشمن، خودزنی کرد؟

پس آقای پزشک‌های یا معاون اجرایی، چه کاره‌اند و چه صلاحیتی دارند که درباره اهمیت و جایگاه برنامه هسته‌ای سخن بگویند یا ادعا کنند که این برنامه ارزشش را نداشته و باید می‌دادیم و می‌رفت تا مثلاً جنگ نشود؟ در این وضعیت و در حالی که ترامپ در ابعاد نظامی و اقتصادی و دیپلماتیک به درماندگی رسیده، چه کسانی و با کدام غرض و مرض، ماموریت دارند مردم را ناامید سازند، توجهات را از روی دشمن بردارند، دودستگی و تفرقه را جای انسجام و همدلی برآمده از دفاع مقدس بنشانند و جنگ پیروز را مغلوبه کنند؟

آنها قبل از هر کس به آقای پزشک‌های خیانت می‌کنند. برخی اعضای دفتر و اطرافیان حتماً باید پالایش شوند و گرته رئیس‌جمهور محترم را زمین می‌زنند.

بهادری جهرمی: انتقام از ترامپ بدیهی‌ترین اصل جنگ است



سخنگوی دولت شهید رئیسی در برنامه تلویزیونی «انتقام» اظهار داشت: دشمن آمریکایی آشکارا اعلام کرده است که اقدام به حمله نظامی کرده، همچنان به حملات خود

ادامه می‌دهد، آتش بسی را نمی‌پذیرد و تعهدات پیشین خود را یک جانبه پایان یافته اعلام نموده است. در چنین شرایطی که عملاً وضعیت جنگ حاکم است، پرسش اساسی این است که آیا برای اتخاذ اقدام متقابل، ضرورتی برای اخذ حکم قضایی وجود دارد؟ وی افزود: بدیهیات حقوق جنگ و اصول متعارف تقابل نظامی حکم می‌کند که هرگونه تجاوز به شخصیت‌های عالی‌رتبه‌ای یک کشور، حق پاسخ متقابل را برای طرف مقابل ایجاد می‌نماید. ایالات متحده، رهبر کشورمان را هدف قرار داده است؛ لذا بر اساس منطق بدیهی جنگ، جمهوری اسلامی ایران نیز از حق متقابل برای هدف قرار دادن

رئیس جمهور ایالات متحده برخوردار است. در این چارچوب، صرف‌نظر از هرگونه تشریفات قضایی داخلی، هرگاه رئیس جمهور آمریکا در شعاع عملیاتی نیروهای ایران (مانند فاصله‌ی هزار کیلومتری از مرزها) قرار گیرد، اقدام متقابل قابل اجرا خواهد بود. به بیان روشن‌تر، مادر وضعیت جنگی با یکدیگر قرار داریم؛ کشوری که به صدر کشور ما حمله کرده و رهبران را به شهادت رسانده است. در چنین فضایی، هر فرد آزاده‌ای که دل‌داده آرمان‌های ما باشد، در هر نقطه از جهان که امکان مواجهه با دشمن را پیدا کند، می‌تواند پاسخ متناسب را انجام دهد. این حکم، نه یک تصمیم استثنایی، بلکه یکی از بدیهی‌ترین اصول جنگ است.

اظهارات اخیر قائم‌پناه حاکی از فضا سازی دولت چهاردهم برای عقب نشینی کشور در پرونده‌ی هسته‌ای است

عبور دولت از غنی‌سازی؟

اظهارات پرحاشیه‌ی جعفر قائم‌پناه، معاون رئیس‌جمهور، درباره‌ی تعطیلی غنی‌سازی هسته‌ای، در حالی صورت گرفت که معاونت ریاست‌جمهوری به‌صورت عامدانه، بخش‌های جنجالی و مورد دلخواه آن را آماده و منتشر کرده است؛ اقدامی که موجی از نگرانی‌ها را برانگیخت و این گمان را تقویت کرد که دولت چهاردهم به دنبال فضا سازی برای عقب‌نشینی کشور در پرونده‌ی هسته‌ای و تعطیلی آن است؛ آن‌هم در شرایطی که رهبر شهید انقلاب بارها بر ضرورت غنی‌سازی تأکید کرده بودند.

جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

یکد یگر ند .

این ادعاها در حالی از سوی معاون رئیس‌جمهور مطرح شد که موجی از نگرانی‌ها درباره آینده برنامه صنعت هسته‌ای کشور مان شکل گرفته و به نظر می‌رسد که دولت با ایجاد فضای ملتهب و بن‌بست‌نمایی از آینده کشور،

به دنبال این است که صنعت هسته‌ای و فعالیت‌های غنی‌سازی را به حاشیه رانده و عملاً تعطیل کند، فناوری و توانمندی که تاکنون ده‌ها دانشمند برجسته کشورمان در راه آن شهید شدند. البته نکته عجیب این اظهارات آنجا بود که خود معاونت ریاست‌جمهوری به صورت عامدانه بخش‌هایی از اظهارات قائم‌پناه را برش و منتشر کرده است. اقدامی که دربردارنده این پیام است که کل ارکان دولت چهاردهم نیز با این مواضع قائم‌پناه هماهنگ و موافق تعطیلی غنی‌سازی هستند. به تعبیری دیگر هدف از انتشار و اتخاذ این مواضع، می‌تواند به جهت تحت فشار قرار دادن کشور برای اعطای امتیازات راهبردی به دشمن و تعطیلی صنعت هسته‌ای کشور باشد.

صنعت هسته‌ای خط قرمز رهبر شهید انقلاب در مواجهه با دشمنان

گفتنی است اینگونه اظهارات معاون پزشک‌یکان و سخن گفتن از رهبر شهید انقلاب در حالی مطرح است که ایشان، بر اهمیت صنعت هسته‌ای کشور بارها تأکید کرده بودند. رهبر شهید در ۲۸ بهمن ۱۴۰۰ فرموده بودند: «نمی‌خواهند ملت ایران به



این پیشرفت بزرگ و چشمگیر علمی دست پیدا کند و فشار می‌آورند، چون ملت فردا به این احتیاج خواهد داشت و می‌خواهند این حرکت استمرار پیدا نکند. اگر ما در این مسائل مربوط به آینده و مربوط به بلندمدت، امروز کوتاهی کردیم، فردا مشکل خواهیم داشت.» ایشان همچنین در ۶ شهریور ۱۴۰۴ فرموده بودند: «دیپلماسی را تحت تأثیر مسئله‌ی هسته‌ای هم نباید قرار داد؛ یعنی این جور نباشد که دیپلماسی کشور متصل به قضیه‌ی هسته‌ای باشد؛ نه، قضیه‌ی هسته‌ای یک قضیه‌ی جداگانه‌ای است که آن را بایستی به یک شکل مناسب و شایسته‌ی کشور حل کنند.»

رهبر شهید انقلاب همچنین پیرامون اهمیت غنی‌سازی در ۴ اسفندماه ۱۳۹۹ تأکید کرده بودند: «اصل نیاز کشور به غنی‌سازی یک امر مسلمی است. تا چند سال دیگر بلاشک نیروگاه‌های هسته‌ای یکی از مهم‌ترین منابع انرژی در کشورها خواهند بود. روزی که نفت تمام بشود یا روزی که [برای] نفت جهات دیگری به وجود بیاید، نیروگاه‌های هسته‌ای که سالم‌تر، تمیزتر، ارزان‌تر انرژی را تولید می‌کنند، در کشورها رایج خواهند شد. ما آن روز احتیاج داریم [آقا] غنی‌سازی را آن روز نمیشود شروع کرد.»

یادداشت

فناوری و فرهنگ؛ دو پیشران «ایران هرچه قوی‌تر»

مسعود میرزایی

استاد و رئیس دانشگاه فردوسی در دولت شهید رئیسی

پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت هفته دولت رامی‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد: تقویت تولید داخلی و اقتصاد، حفظ انسجام اجتماعی، به‌کارگیری فناوری و نوآوری‌های نخبگان و نگاه فراراهبردی به فرهنگ، تعلیم و تربیت. در میان این محورها، دونکته ظرفیت آن را دارد که به عنوان پیشران‌های بلندمدت «ایران هرچه قوی‌تر» مورد توجه جدی قرار گیرد: فناوری و فرهنگ.

فناوری؛ عبور از «علم» به «قدرت حل مسئله»

یکی از نکات مهم پیام، تأکید صریح بر به‌کارگیری فناوری‌ها و نوآوری‌های پیشنهادشده توسط نخبگان جوان است. این تأکید را نباید صرفاً توصیه‌ای برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان یا افزایش بودجه پژوهشی تلقی کرد. مسئله عمیق‌تر از این است.

کشوری که می‌خواهد قوی باشد، نمی‌تواند صرفاً مصرف‌کننده فناوری‌های تولیدشده در دیگر کشورها باشد. قدرت ملی امروز تا حد زیادی تابع توانایی یک کشور در تبدیل دانش به فناوری، فناوری به محصول و محصول به حل مسئله است.

از این منظر، دانشگاه و نظام علمی کشور زمانی بیشترین اثرگذاری را دارند که زنجیره‌ای منسجم از دانش=فناوری=نوآوری=تولید=حل مسئله=قدرت ملی شکل بگیرد. نکته مهم‌تر آن است که در پیام، بر «استفاده به‌موقع» از فناوری و نوآوری و حتی ترک روال معمول و عادات‌های مرسوم تأکید شده است. این گزاره برای نظام اداری و تصمیم‌گیری کشور بسیار مهم است. گاهی مسئله کشور کمبود دانش یا حتی کمبود فناوری نیست؛ مسئله، ناتوانی در پذیرش و به‌کارگیری فناوری موجود و نوآوری‌های در دسترس است. بنابراین، یکی از الزامات ایران قوی‌تر، ایجاد سازوکاری است که ایده و فناوری یک نخبه جوان بتواند از آزمایشگاه و دانشگاه عبور کند، وارد فرآیند تصمیم‌گیری و اجرا شود و در نهایت به حل یک مسئله واقعی کشور منجر گردد.

این نگاه، مستلزم تغییر در نسبت میان دولت، دانشگاه، صنعت و نخبگان است. دولت باید بیش از آنکه صرفاً مصرف‌کننده گزارش‌های علمی باشد، به یک «تقاضاکننده فناوری» تبدیل شود؛ دانشگاه باید علاوه بر تولید مقاله، به حل مسائل واقعی کشور متصل شود؛ صنعت باید مشارکت فعال‌تری در تحقیق و توسعه داشته باشد و نخبگان نیز باید امکان آزمون و پیاده‌سازی ایده‌های خود را پیدا کنند.

چرا «فراراهبردی»؟

دومین تعبیر بسیار مهم پیام، درباره فراراهبردی بودن فرهنگ، تعلیم و تربیت است.

فراراهبردی بودن فرهنگ به این معناست که فرهنگ نباید صرفاً یکی از بخش‌های سیاست‌گذاری کشور، در کنار اقتصاد، سیاست، اجتماع و فناوری تلقی شود؛ بلکه راهبرد‌های سایر حوزه‌ها نیز باید با ملاحظه آثار و الزامات فرهنگی و تربیتی طراحی شوند. این تفاوتی اساسی است. بنابراین، «فراراهبردی» بودن فرهنگ یعنی هیچ راهبرد بزرگی در کشور نباید بدون پیوست فرهنگی و تربیتی طراحی شود.

انسان؛ حلقه اتصال فناوری و فرهنگ

در واقع، فناوری و فرهنگ دو موضوع جدا از یکدیگر نیستند. فناوری ابزار قدرت است و فرهنگ جهت‌دهنده قدرت. از همین رو، تأکید همزمان بر نخبگان و فناوری از یک سو و بر معلم، دانشگاه، حوزه، پزشک، پرستار و خانواده از سوی دیگر، قابل توجه است. نخستین گروه، ظرفیت تولید قدرت و حل مسئله را افزایش می‌دهد و گروه دوم، ظرفیت ساختن انسان و جامعه‌ای متناسب با این قدرت را شکل می‌دهد. اگر فناوری بدون انسان توانمند، مسئول و دارای انگیزه ملی توسعه یابد، ممکن است به انباشت ابزار منجر شود؛ و اگر فرهنگ بدون توجه به علم و فناوری پیش برود، ممکن است از نیازهای جهان جدید فاصله بگیرد. ایران قوی به هردو نیاز دارد: قدرت فناورانه و سرمایه انسانی و فرهنگی.

دانشگاه در نقطه اتصال این دو قرار دارد!

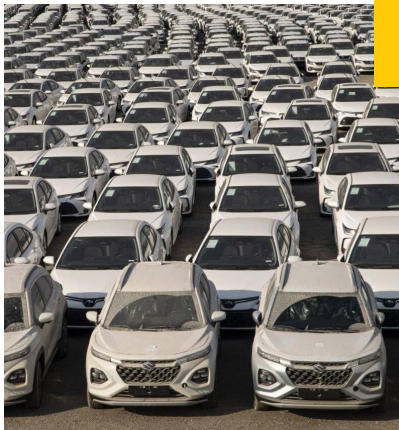
از این منظر، دانشگاه یکی از مهم‌ترین نقاط اتصال دو محور پیام است. دانشگاه هم محل تولید علم و فناوری و پرورش نخبگان است و هم یکی از مهم‌ترین نهاد‌های فرهنگ‌ساز جامعه. شاید بتوان پیام رادر همین نقطه به یک گزاره سیاستی تبدیل کرد: «ایران قوی‌تر» نه فقط با افزایش تولید علم، بلکه با تبدیل علم به فناوری و فناوری به نوآوری و قدرت حل مسئله؛ و نه فقط با برنامه‌های فرهنگی، بلکه با قرار دادن فرهنگ و تربیت در طراحی همه راهبردهای کشور ساخته می‌شود.



سوابق پرحاشیه قائم‌پناه

البته که مواضع حاشیه‌ای و انتقادبرانگیز قائم‌پناه محدود به این موارد نبوده است از جمله اینکه او پیش‌تر درواکتش به موضع علی‌الاصول رهبر انقلاب گرفته بود: «رهبر انقلاب فرمودند نظر دیگری داشتم، اگر قرار باشد تنها نظر رهبر اجرا شود که دیگر مجلس و شعام معنا ندارد.» وی همچنین در جایی دیگر مدعی شده بود: «۵۰ تا ۶۰ درصد مردم خواهان مذاکره و صلح شرافتمندانه‌اند.» معاون پزشکیان همچنین در فتنه «زرزآ» در سال ۱۴۰۱ با مواضع ضدامنیتی خود و همراهی رسانه‌های ضدانقلاب اتهاماتی علیه نظام اسلامی مطرح کرده بود.

واردات خودرو ۶۰ درصد جهش کرد



تازه‌ترین آمارهای گمرک ایران از تجارت خارجی کشور در پنج ماهه نخست سال ۱۴۰۵، برای نخستین بار تصویری از وضعیت واردات اقلام مختلف در سال جاری ارائه می‌کند؛ آماری که از رشد قابل توجه واردات خودرو در شرایطی حکایت دارد که بخش مهمی از کالاهای وارداتی مسیر متفاوتی را طی کرده‌اند. براساس این آمار، حدود ۲۵ هزار دستگاه خودرو در پنج ماهه نخست سال وارد کشور شده است. وزن مجموع این خودروها به حدود ۴۴ هزار تن و ارزش آن‌ها به ۶۹۳ میلیون دلار رسیده است. این ارقام در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، از افزایش قابل توجه جریان واردات خودرو حکایت دارد؛ چراکه در پنج ماهه نخست سال گذشته حدود ۱۹ هزار دستگاه خودرو با وزن حدود ۳۰ هزار تن و

ارزش نزدیک به ۴۱۶ میلیون دلار وارد کشور شده بود. به‌این ترتیب، آمارهای جدید گمرک نشان می‌دهد واردات خودرو در پنج ماهه نخست امسال، برخلاف روند کاهشی بسیاری از اقلام مهم وارداتی، در هر سه شاخص تعداد، وزن و ارزش با رشد همراه بوده است. ارزش واردات خودرو در پنج ماهه نخست امسال از ۴۱۶ میلیون دلار در مدت مشابه سال گذشته به ۶۹۳ میلیون دلار افزایش یافته است؛ به‌این معنا که حدود ۲۷۷ میلیون دلار به ارزش واردات خودرو افزوده شده و رشد آن به حدود ۶۶ درصد رسیده است. رشد ارزش واردات خودرو در حالی رخ داده که بخش قابل توجهی از اقلام اصلی وارداتی در پنج ماهه نخست سال با کاهش ورود به کشور مواجه شده‌اند. واردات تلفن همراه، برخی

کالاهای اساسی و ماشین‌آلات در این دوره روندی نزولی داشته‌اند، اما خودرو مسیری متفاوت را ثبت کرده است.

بررسی جزئیات آمار گمرک نشان می‌دهد تعداد خودروهای وارداتی از حدود ۱۹ هزار دستگاه در پنج ماهه نخست سال گذشته به حدود ۲۵ هزار دستگاه در مدت مشابه امسال رسیده است. بر این اساس، حدود ۶ هزار دستگاه خودرو بیشتر از سال گذشته وارد کشور شده و رشد واردات بر مبنای تعداد به حدود ۳۲ درصد رسیده است. در واقع، در شرایطی که بخش مهمی از کالاهای مورد نیاز بازار و تولید با کاهش ورود مواجه شده‌اند، واردات خودرو هم از نظر تعداد و وزن و هم از نظر ارزش دلاری افزایش یافته است.

نوبنیاد گزارش می‌دهد؛

کمبود بنزین نداریم مساله بی برنامگی است

طی چند هفته گذشته، اظهارنظرهای متناقض، طرح‌های اعلام‌شده و تکذیب‌شده و هشدارهای پی‌درپی درباره ناترازی، سرانجام مردم را به صف‌های چندصد متری پمپ‌بنزین رساند؛ بحرانی که بیش از آنکه از کمبود واقعی سوخت ناشی شود، محصول آشفتگی در تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی دولت چهاردهم بود. اظهارنظر در خصوص ناترازی بنزین نه تنها به حل مشکل کمک نکرد، بلکه به آن دامن زد. یک روز صحبت از تغییر سهمیه‌ها بود، روز دیگر قیمت‌های جدید مطرح می‌شد و در مقطعی حتی ارقام بسیار بالایی برای بنزین آزاد دست‌به‌دست می‌شد.

جدید و سپس تکذیب یا توقف آنها، طبیعی است که نگرانی مردم نسبت به آینده را افزایش دهد. سخنگوی دیوان محاسبات با بیان اینکه ناترازی بنزین مسئله‌ای یک‌شبه نیست، گفت: قاچاق سوخت مسئله‌ای جدی است، اما باید درباره سهم آن در ناترازی بنزین دقیق و مبتنی بر آمار صحبت کرد. سهم بنزین از قاچاق فرآورده‌های سوختی بسیار ناچیز است و نمی‌توان ناترازی بنزین را صرفاً با قاچاق توضیح داد.

پزشکیان؛ دست رد به طرح پرهزینه؟

سرانجام مسعود پزشکیان، رئیس دولت چهاردهم، در گفت‌وگو تلویزیونی خود تلاش کرد مسیر آینده بنزین را روشن کند. پزشکیان تأکید کرد دولت در موضوع بنزین شگفتانه‌ای برای مردم نخواهد داشت. او گفت: قیمت سهمیه اول و دوم بنزین تغییر نخواهد کرد، اما نرخ سهمیه سوم (جایگاه) از ۵ هزار تومان به ۱۰ هزار تومان تغییر می‌کند و بیشتر از این نیست. سه راهکار تغییر سهمیه‌های اول و دوم، تغییر نرخ سوم بنزین و تخصیص بنزین به کد ملی که متعلق به مجموعه تحت هدایت اسماعیل سقاب اصفهانی، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، بود، در روزهای اخیر روی میز دولت قرار داشت. اکنون سخنان رئیس جمهور نشان می‌دهد او با انتخاب مسیر تدریجی اصلاح قیمت بنزین، به صورت عملی با طرح تخصیص بنزین به کد ملی مخالفت کرده است. تصمیم دولت ادامه مصوبه‌ای در سال گذشته است که بنزین را ابتدا سه‌نرخ و سپس تأکید کرد که هر ۳ ماه یک بار نرخ سوم افزایش پیدا خواهد کرد. در این مدل، سهمیه‌های اول و دوم تغییر نمی‌کند و اصلاح قیمت بیشتر متوجه مصرف‌های بالاتر خواهد بود. این مسیر، اگرچه می‌تواند آثار تورمی داشته باشد، اما در مقایسه با شوک ناشی از حذف یا تغییر ناگهانی سهمیه‌های پایه و افزایش شدید قیمت، احتمالاً آسیب اجتماعی کمتری خواهد داشت.

مسئله بی‌برنامگی است

با این حال، بحران صف‌های بنزین در روزهای پایانی هفته گذشته یک هشدار جدی برای دولت چهاردهم بود. دولت می‌تواند درباره قیمت بنزین تصمیم بگیرد یا تصمیم نگیرد. می‌تواند نرخ سوم را تغییر دهد یا سهمیه‌ها را اصلاح کند. اما آنچه نمی‌تواند ادامه دهد، سیاست اظهارنظرهای متناقض و اداره جامعه با سناریوهای خبری است. از خرداد ماه تاکنون، مردم بارها شنیده‌اند که تصمیم بنزینی «در حال نهایی شدن» است. هر بار زمان تصمیم نزدیک اعلام شده و هر بار موضوع به آینده موکول شده است. این وضعیت نه نشانه احتیاط، بلکه نشانه ضعف در تصمیم‌گیری است.

شهریور افزایش پیدا کرد؛ یعنی رشدی نزدیک به ۱۰ درصد در فاصله‌ای کوتاه. در تهران نیز مصرف

روزانه به ۲۶ تا ۲۷ میلیون لیتر رسید؛ در حالی که متوسط مصرف روزانه پایتخت در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ حدود ۲۰ تا ۲۱ میلیون لیتر بود. چنین جهشی، حتی اگر کشور از نظر تولید بنزین مشکل نداشته باشد، می‌تواند شبکه توزیع را دچار اختلال کند. وقتی میلیون‌ها خودرو به دلیل نگرانی از آینده، به‌طور هم‌زمان برای پرکردن باک مراجعه می‌کنند، فشار بر شبکه توزیع افزایش می‌یابد. به همین دلیل، برخی جایگاه‌ها با وقفه موقت در تأمین مواجه شدند و صف‌ها شکل گرفت. پس مشکل اصلی فقط «بنزین موجود است یا نیست» نبود. مشکل این بود که دولت اجازه داد فضای روانی به نقطه‌ای برسد که مردم تصور کنند ممکن است فردا شرایط تغییر کند.

کمبود بنزین نداریم

در همین حال، سیامک طاووسی، مدیر هماهنگی و نظارت بر عملیات شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران، با تأکید بر اینکه کمبودی در تأمین بنزین وجود ندارد، گفت: برخی اظهارنظرها درباره تغییر سهمیه و قیمت بنزین موجب ایجاد نگرانی در جامعه و در نتیجه افزایش حدود ۱۰ درصدی مصرف این فرآورده شده است. وی افزود: افزایش ناگهانی تقاضا، هم‌زمان با آسیب دیدگی بخشی از ظرفیت ذخیره‌سازی و زیرساخت‌های لجستیکی سوخت در تهران، موجب کاهش سرعت تأمین بنزین برخی جایگاه‌ها و تشکیل صف در تعدادی از آنها شد.

قاچاق بنزین بسیار ناچیز است

سید نظام‌الدین موسوی، سخنگوی دیوان محاسبات کشور، نیز گفت: با وجود افزایش مصرف بنزین در روزهای اخیر، در شرایط فعلی کمبودی در ذخایر قابل عرضه وجود ندارد. او افزود: وضعیت فعلی مصرف بنزین باید از دو منظر بررسی شود؛ نخست، افزایش واقعی مصرف و دوم، فضایی که بر اثر برخی اظهارنظرهای متناقض و اطلاع‌رسانی‌های غیرشفاف درباره قیمت و نحوه عرضه بنزین شکل گرفته است. افزایش مصرف در این مقطع از سال به دلیل سفرهای تابستانی قابل پیش‌بینی بود، اما میزان افزایش مصرف در روزهای اخیر قابل توجه است.

موسوی تصریح کرد: بخشی از التهاب ایجادشده در روزهای اخیر ناشی از اظهارات ضدونقیض مسئولان درباره قیمت و نحوه عرضه بنزین بوده است. انتشار اخبار متفاوت درباره قیمت بنزین و اجرای طرح‌های



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

در اقتصاد، گاهی یک بحران پیش از آنکه در کارخانه، بازار یا شبکه توزیع شکل بگیرد، در ذهن مردم ساخته می‌شود. کافی است دولت درباره یک کالای حساس، چند ماه پیام‌های متناقض ارسال کند؛ یک مقام از تغییر قیمت بگوید، مقام دیگر آن را تکذیب کند، طرحی در جلسات رسمی مطرح شود و نمایندگان مجلس آن را رسانه‌ای کنند، سپس دولت اعلام کند که هنوز هیچ تصمیمی گرفته نشده است. نتیجه چنین وضعیتی قابل پیش‌بینی است؛ مردم به آینده اعتماد نمی‌کنند و از خود رفتار احتیاطی نشان می‌دهند. ماجرای بنزین در هفته‌های اخیر دقیقاً نمونه‌ای از همین الگوی خطرناک بود؛ الگویی که در سه روز پایانی هفته گذشته خود را در صف‌های طولانی جایگاه‌های سوخت نشان داد.

در پی انتشار برخی شایعات درباره افزایش چشمگیری ناگهانی قیمت بنزین، تقاضا برای آن افزایش پیدا کرد و همین عامل سبب شکل‌گیری صف‌های طولانی در پمپ‌بنزین‌ها شد، به‌طوری‌که حتی در پایتخت، برخی جایگاه‌ها با کمبود بنزین مواجه شدند. هرچند دولت اعلام کرد هیچ برنامه‌ای برای تغییر در نرخ بنزین یارانه‌ای تا پایان شهریورماه ندارد و ساختار دو نرخ سهمیه اول و دوم (۶۰ لیتر ۱۵۰۰ تومان و ۵۰ لیتر ۳۰۰۰ تومان) در کارت‌های سوخت همچنان بدون تغییر خواهد ماند. نکته مهم اینجاست که کشور با کمبود بنزین مواجه نیست، اما پرسش اصلی این است که اگر کمبود وجود ندارد، چرا جامعه تا این اندازه نسبت به تأمین بنزین حساس و نگران شده است؟ پاسخ را باید نه در مخازن پالایشگاه‌ها، بلکه در چند ماه آشفتگی خبری و تصمیم‌گیری در دولت جست‌وجو کرد.

صف‌ها نتیجه طبیعی التهاب بود

راننده‌ای که تصور می‌کند ممکن است فردا عرضه بنزین محدود شود، امروز باک خود را پر می‌کند. میلیون‌ها راننده اگر هم زمان چنین تصمیمی بگیرند، مصرف ناگهان افزایش پیدا می‌کند و همان اتفاقی رخ می‌دهد که در روزهای گذشته شاهد آن بودیم. بر اساس اعلام مسئولان شرکت ملی پالایش و پخش ایران، میانگین مصرف روزانه کشور از حدود ۱۳۸ میلیون لیتر در مردادماه به حدود ۱۴۵ میلیون لیتر در روزهای ابتدایی

نض بازار

مسکن در مسیر گرانی؛ اجاره‌نشینی سخت‌تر شد

بازار مسکن تهران در هفته نخست شهریور ۱۴۰۵ با عبور میانگین قیمت هر مترمربع واحد مسکونی از مرز ۲۰۰ میلیون تومان وارد شرایط تازه‌ای شده است. خبرگزاری فارس نوشت: بررسی انجام‌شده از حدود ۱۱۶ دفتر معاملات املاک در سطح شهر تهران نشان می‌دهد قیمت در مناطق ۱ تا ۱۳ از متری ۵۵۰ میلیون تومان نیز فراتر رفته است. این وضعیت در حالی رخ داده که اعلام شده تا پایان شهریور ۱۳۴ هزار واحد مسکونی افتتاح می‌شود؛ با این حال، روند قیمت‌ها همچنان صعودی بوده است. کارشناسان عواملی نظیر افزایش تا ۹۶.۸ درصدی هزینه نهاده‌های ساختمانی، اختلال در زنجیره تأمین، نوسانات ارزی و در کنار آن، عدم عرضه مناسب زمین، فاصله عرضه و تقاضا و تبدیل مسکن به کالای سرمایه‌ای را از دلایل اصلی این جهش قیمتی برمی‌شمارند. طبق گزارش مرکز آمار ایران در مرداد ۱۴۰۵، شاخص مسکن به ۴۴۳.۵ رسیده که نشان‌دهنده تورم ماهانه ۲.۵ درصد، نقطه به نقطه ۳۲.۵ درصد و سالانه ۳۲.۷ درصد است. علاوه بر این، در زیربخش خدمات نگهداری و تعمیر واحد مسکونی تورم نقطه به نقطه ۸۲.۳ درصد و در بخش آب، برق و سوخت تورم نقطه به نقطه ۱۱۸.۴ درصد و سالانه ۹۱.۶ درصد ثبت شده که فشار سنگینی را بر هزینه‌های سکونت وارد کرده است.

در بازار اجاره، نیز تورم سالانه و نقطه به نقطه اجاره‌بها به ترتیب ۳۲.۳ و ۳۱.۸ درصد ثبت شده است. در سطح میدانی، مستأجران با بازاری چندلایه و ارقامی سنگین مواجهند؛ به طوری که با تبدیل هر میلیارد تومان ودیعه به ۳۰ میلیون تومان اجاره، هزینه واقعی ماهانه از ۲۲ میلیون تومان (واحد ۵۰ متری در خیابان ایران) تا ۲۵۵ میلیون تومان (واحد ۱۶۰ متری نوساز در سهروردی) متغیر است.

در همین شرایط بررسی تعدادی از فایل‌های اجاره منتشر شده در بازار تهران، تصویری متفاوت از سطح قیمت‌ها در محله‌های مختلف پایتخت ارائه می‌دهد؛ بازاری که در آن میزان ودیعه و اجاره بسته به منطقه، متراژ، سن بنا و امکانات ملک فاصله قابل توجهی با یکدیگر دارد.

در میان فایل‌های بررسی‌شده در خواجه نظام‌الملک یک واحد ۵۳ متری با ۱۰ سال عمر بنا ۸۶۰ میلیون تومان ودیعه و بدون اجاره ماهانه قیمت‌گذاری شده است. در سیلان واحد ۱۰۰ متری ۲ خوابه و ۳ سال ساخت با ۱.۵ میلیارد تومان ودیعه و ۴۰ میلیون تومان اجاره ماهانه فایل شده است. در مناطق گران‌تر پایتخت سطح ودیعه به چند میلیارد تومان می‌رسد. یک واحد ۱۶۰ متری سه خوابه و نوساز در سهروردی جنوبی با ۸.۵ میلیارد تومان ودیعه کامل و یک واحد ۱۳۸ متری در جردن با ۷ میلیارد تومان ودیعه کامل در بازار عرضه شده‌اند.

وقتی همتی، در یک قدمی تورم سه رقمی، جشن پیروزی گرفت!

منتقد تورم ۳۵ درصدی؛ مفتخر به تورم ۹۰ درصدی

گذشته، در شرایطی که تورم به مراتب کمتر و البته نزولی بود، خواستار عذرخواهی شهید رئیسی به دلیل تکرر کمی نشدن تورم شده بود، اکنون با افتخار، «نرسیدن به محدوده ابرتورم» را نشانه موفقیت خود و نشانه ثبات نسبی اقتصاد عنوان می‌کند.

درست در روزهایی که دلار از مرز ۲۰۰ هزار تومان عبور کرده و گزارش‌های رسمی از رسیدن تورم مصرف‌کننده به مرز ۹۰ درصد و تورم تولیدکننده به آستانه ۱۰۰ درصدی حکایت می‌کند، عبدالناصر همتی با تمجید از سیاست‌های بانک مرکزی، مدعی «مهار شجاعانه تورم» شد. همتی که در دولت

منتقد تورم ۳۵ درصدی، مفتخر به تورم ۹۰ درصدی

خودستایی همتی و تمجید از سیاست‌هایش، آن هم در شرایطی که تورم تولید و مصرف در یک مسیر صعودی به آستانه سه رقمی شدن رسیده و دلار هم از ۲۰۷ هزار تومان فراتر رفته است، مخاطب را ناخودآگاه به یاد انتقادهای تندتیز او از دولت شهید رئیسی در موضوع کنترل تورم و نرخ ارز می‌اندازد. وی زمانی که تورم نصف مقدار کنونی و البته در مسیر نزولی قرار داشت، با انتقاد از دولت شهید رئیسی، خواستار عذرخواهی وی از مردم شده و اعلام کرد: «به نظر من باید از مردم عذرخواهی کنند و بگویند نتوانستیم تورم را کنترل کنیم.» وی در حالی دولت شهید رئیسی را در موضوع کنترل تورم نقد می‌کرد که در زمان آغاز به کار خود در دولت پزشکیان، نرخ تورم به ۳۵ درصد کاهش یافته بود؛ نرخ که به مراتب کمتر از میراث پیشین خود در دولت روحانی و همچنین بسیار کمتر از رکورد کنونی آن بود. اکنون دیگر خبری از انتقاد وی به تورم و نگرانی از معیشت مردم نیست. اکنون نه تنها تورم نزدیک به ۱۰۰ درصدی جای نگرانی و انتقاد ندارد، بلکه باید از دولت و خصوصاً بانک مرکزی بابت «مهار تورم» تقدیر کرد.



نیما سهیلی
روزنامه نگار

صعودی تورم مهار شده و تورم ماه گذشته (مرداد) کاهش یافته است.»

تورم مصرف‌کننده در آستانه ۹۰ درصد

ادعای همتی مبنی بر کاهش تورم در ماه گذشته در حالی است که آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار نشان می‌دهد در مرداد امسال، تمامی شاخص‌های تورم نسبت به تیرماه افزایشی بوده است. طبق اعلام مرکز آمار، تورم ماهانه در مرداد ۳۰۴ درصد بوده که نسبت به ۳۰۱ درصد در تیر افزایش داشته است. همچنین تورم سالانه در مرداد ۶۹۰۹ درصد بوده که نسبت به ۶۶ درصد تیرماه بالاتر رفته است. همچنین تورم نقطه به نقطه در مرداد هم ۶۹ درصد بوده که نسبت به ۸۷۰۹ درصد تیرماه افزایش یافته است. گزارش بانک مرکزی هم همین وضعیت را تأیید می‌کند؛ به طوری که طبق اعلام این نهاد، تورم ماهانه مرداد ۳۰۷ درصد بوده که نسبت به ۳۰۶ درصد تیر افزایشی بوده است. همچنین تورم سالانه مرداد ۶۵۰۱ درصد بوده که نسبت به ۶۱۰۴ درصد تیر بالاتر رفته است. تورم نقطه به نقطه هم طبق اعلام بانک مرکزی در مرداد امسال ۸۴۰۴ درصد بوده که نسبت به ۸۳۰۹ درصد در تیرماه، روند روبه‌رشد را نشان می‌دهد.

تورم بخش تولید بحرانی تر از مصرف

بحران تورم البته تنها به بخش مصرف محدود نیست. اوضاع تورم در بخش تولیدکننده حتی وخیم‌تر است. آخرین گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد تورم تولیدکننده در بهار امسال، در هر سه شاخص فصلی، سالانه و نقطه به نقطه، نسبت به فصل قبل افزایش داشته و البته رکوردهای جدیدی ثبت کرده است. طبق این گزارش، تورم فصلی تولیدکننده در بهار امسال ۲۸۰۳ درصد بوده؛ به این معنا که تولیدکنندگان در طول بهار امسال، به طور متوسط با افزایش نزدیک به ۳۰ درصدی قیمت‌های دریافتی خود مواجه شده‌اند. این شاخص در زمستان سال گذشته ۲۴۰۸ درصد بود و در بهار امسال ۳۰۵ واحد درصد افزایش یافته و رکورد جدیدی ثبت کرده است. همچنین تورم سالانه تولیدکننده با جهشی ۱۵۰۵ واحد درصدی، به ۶۶۰۷ درصد رسیده است. بالاترین رکورد ثبت‌شده در شاخص تورم سالانه، ۷۰۰۲ درصد بوده که از قضا در

خبر به حدی غیر قابل باور بود که به نظر می‌رسید شایعه باشد؛ اما واقعیت داشت. رئیس کل بانک مرکزی و مسئول مهار تورم، درست در روزی که مرکز آمار اعلام کرد تورم نقطه به نقطه مصرف‌کننده در مرداد به رکورد بی‌سابقه ۸۹ درصد رسیده، از «مهار شجاعانه تورم» سخن گفت.

خبر خوش همتی؛ شکر خدا ابرتورم نشد!

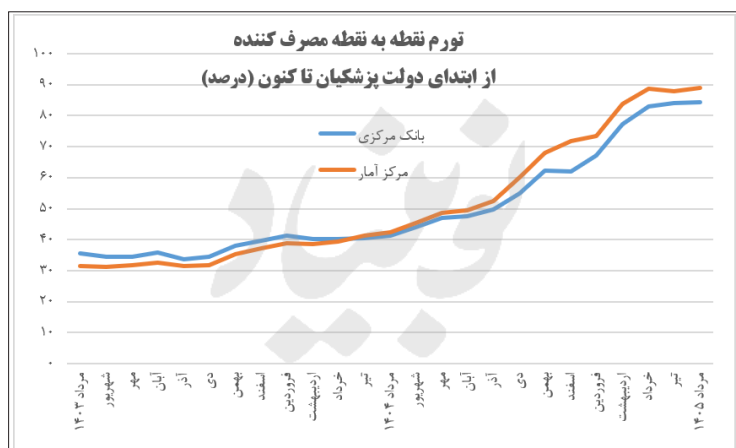
عبدالناصر همتی پنجشنبه گذشته، ۵ شهریور، در نشست تخصصی شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان خوزستان، طبق روال همیشگی خود، عوامل بیرونی را در صدر عوامل تورم کنونی یاد کرد و با تمجید از سیاست‌های خود گفت: «در جنگ تورم که دشمن به راه انداخته، با مهار شجاعانه تورم و کنترل خلق پول بانک‌ها، کشور از مرز ابرتورم عبور کرد و ثبات نسبی به اقتصاد بازگشت.» رئیس کل بانک مرکزی البته در اشاره به عوامل داخلی، بدون اشاره به اثر تورمی ناشی از شوک ارزی دی ماه سال گذشته که در نتیجه اجرای سیاست وی موسوم به «یکسان‌سازی نرخ ارز» رخ داد، عوامل دیگر را باعث بروز تورم کنونی خواند و گفت: «چند ماه گذشته به دلیل انباشت ناترازی‌ها و شوک‌های روانی، کشور به شدت در معرض خطر ورود به دالان ابرتورم فزاینده و سقوط ارزش پول ملی قرار داشت.»

همه در تورم کنونی مقصرند به جز من!

همتی با اشاره به «انباشت ناترازی‌ها» در تلاش است ریشه تورم کنونی را به سال‌های گذشته ارتباط دهد تا در نهایت خود را از پاسخ‌گویی نسبت به رکورد شکنی تورم و قرار گرفتن کشور در آستانه تورم سه رقمی تبرئه کند. وی نه تنها شوک تورمی ناشی از جهش یک‌باره نرخ‌های رسمی ارز در دی ماه را گردن نگرفت، بلکه سیاست‌های بانک مرکزی را عامل کنترل تورم خواند و حتی پارافراتر گذاشته و مدعی کاهش تورم در مرداد شد و گفت: «خوشبختانه بانک مرکزی با ایستادگی بر روی انضباط مالی و کنترل شدید خلق پول بانک‌ها توانست ثبات نسبی را برقرار سازد؛ به طوری که براساس آخرین گزارش‌ها، روند

نوسان ارز عامل گرانی‌هاست

در همین حال قاسم نوده‌فراهانی رئیس اتاق اصناف ایران با بیان اینکه افزایش قیمت کالاها لزوماً به واحدهای صنفی مربوط نیست، گفت: همیشه اعلام کرده‌ایم که موضوع گرانی در بخش‌های دیگری از زنجیره تأمین، از جمله تولیدکننده و واردکننده، شکل می‌گیرد و نظارت بر این بخش‌ها نیز در حیطه وظایف اتاق اصناف نیست. وی یکی دیگر از مشکلات سال‌های اخیر بازار را نوسان نرخ ارز عنوان کرد و افزود: وقتی نرخ ارز مشخص و باثبات نیست، کنترل نوسانات بازار کالا دشوار می‌شود. زمانی می‌توان بازار را بهتر کنترل کرد که نرخ ارز برای یک دوره مشخص، حداقل حدود شش ماه، ثبات داشته باشد. ما بارها این موضوع را مطرح کرده‌ایم و معتقدیم بانک مرکزی باید در این زمینه تصمیم‌گیری کند تا نرخ ارز برای یک دوره مشخص تثبیت شود. تا زمانی که نرخ ارز دائماً دچار نوسان باشد، مدیریت و کنترل قیمت‌ها در بازار با دشواری مواجه خواهد بود.



رازهایی از پرونده مسعود

ساعت ۳ بعد از ظهر روز یکشنبه ۸ شهریور ۱۳۶۰، جلسه شورای امنیت کشور، همچون روال همه یکشنبه‌ها در سالن شماره ۱۰۵ ساختمان نخست‌وزیری تشکیل شد. طبق روال رئیس جلسه نخست‌وزیر بود، اما به پیشنهاد مسعود کشمیری، محمد علی رجایی هم به جلسه دعوت شد، اگرچه او به تازگی رئیس جمهور شده بود، اما بهانه کشمیری کارها به محمدجواد باهنر، نخست‌وزیر جدید تحویل دهد. پس از ارائه گزارش توسط سرهنگ وحید دستجردی، رئیس شهرستانی، ناگهان انفجار مهیبی رخ داد. بمبی. اتفاقی که سبب شهادت همزمان رئیس جمهور و نخست‌وزیر در کمتر از یک‌ماه پس از تنفیذ رجایی شد. مسعود کشمیری که بود و چگونه به چنین جایگاهی رسیده بود که بتواند قتلگاه دو مسئول اصلی اجرایی کشور را اینگونه بچیند؟

محمد مهدی اسلامی

نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر

از سالن رقص تا نماد انقلابی گری

مسعود کشمیری، فرزند سعید، متولد ۱۳۲۹ در کرمانشاه، دارای مدرک کارشناسی علوم اداری و مدیریت بازرگانی از دانشگاه تهران بود.

پدرش سعید، کارمند شرکت نفت بود و به علت موقعیت شغلی، با انگلیسی‌ها نشست و برخاست داشت. مادرش فروغ گورانی نیز همچون پدرش، فرهنگ غربی داشت. مسعود کشمیری سال ۱۳۴۷ فارغ التحصیل و در رشت دانشجو شد، اما سال بعد در دانشگاه تهران قبول شد و به دانشکده علوم بازرگانی و اداری رفت.

همکلاسی‌های دانشگاه او از شرکتش در کلاس رقص و تئاتر و تعامل با حزب رستاخیز خاطره دارند، اما پس از مدتی شاهد بوده‌اند با انجمن کتاب ارتباط گرفته و به حسینه‌ها ابراهیم می‌رود. این تحول، حاصل فراموشی بود و در آن زمان مسعود کشمیری با عناصر فعال سازمان مجاهدین خلق بود که او را به عضویت سازمان جذب کرد.

او پس از سربازی در نیروی دریایی، در دو شرکت استخدام می‌شود، «رایدر هند انگلیس» که متعلق به فردی انگلیسی به نام مستر نیشام بود و به سمت مدیر عامل شرکت منصوب شد و دیگری شرکت سایبرنتیک که در آنجا با برخی دیگر از اعضای سازمان از جمله رضیه شیرازی و قدسی خرازیان مرتبط می‌شود.

مسعود کشمیری ابتدای پیروزی انقلاب در ستاد جنبش ملی مجاهدین خیابان ولی عصر با اسم مستعار حنیف و مجیب مشغول فعالیت می‌شود و مأموریت‌های نفوذ او آغاز می‌شود. تا جایی که به سپاه پاسداران معرفی شده و در کنار شهیدان کلاهدوز و نامجو و نیز دکتر ابراهیم یزدی جهت تدوین آیین نامه‌های سپاه پاسداران فعالیت می‌کند. تحقیقات بعدی نشان داد او به خوبی آموخته بود چگونه گدغه‌های تقریبی و سازمانی خود را از انتظار دور نگه دارد و خود را تا قدری موجه جلوه دهد که «نماد انقلابی گری» تلقی شود. یکی از همکارانش در نخست‌وزیری به عنوان می‌گوید «وضو که می‌گرفت، [به جهت رعایت مستحبات] دست و صورتش را با حوله خشک نمی‌کرد و خود را ظاهر اصلاح نشان می‌داد.»

عملکرد مخفی سازمانی

کشمیری پیش از پیروزی انقلاب، بجز دوستان دانشگاهی از طریق‌های دیگری هم به سازمان متصل شده بود، از جمله پسر دایی خود، ابوالفضل دلنواز که برادر همسرش نیز بود. شبکه اتصال‌های او موجب شد در شرایط تلاش سازمان برای بازپایی خود در روزهای پس از انقلاب، او نقش فعالی داشته باشد. از جمله منزل او در مهرشهر کرج، یکی از بزرگترین انبارهای سلاح و مهمات منافقین بود در روزهایی بود که سازمان، ژست «فاز سیاسی» گرفته بود. پس از انتقال او به آریاشهر، با مشارکت همسرش مینو دلنواز، منزل مسکونی کشمیری در آریاشهر محل استقرار اعضای مرکزیت بخش اطلاعات منافقین شد و افرادی همچون جعفر تهرانی و همسرش مریم نظام المکی، محمد معصومی، رضا راتبی، ابوالفضل دلنواز و نشستهای تشکیلاتی را در این منزل انجام می‌دادند. دیده‌بانی منظم از منزل فوق‌الذکر در زمانی که حرکات منافقین علنی بود و صرفاً از منازل تیمی مرکزیت و افراد بسیار مهم سازمان دیده‌بانی می‌شد، بیانگر نقش او در این مقطع است.

او در این مقطع، اثرات عمیق، متعدد ولی مخفی داشت؛ به عنوان نمونه می‌توان به اجرای تصمیمات سازمان منافقین در ستاد خنثی سازی کودتای نقاب، از جمله فراری دادن سرهنگ بنی عامری مسئول عملیات نظامی کودتا و نیز نوشتن کپیفرخواست برای خلبانان انقلابی اشاره کرد. نمونه دیگری اهمیت جلوه‌دادن اغتشاشات خیابانی و جلوگیری از برخورد

مؤثر نظام جمهوری اسلامی با شورشگران تظاهرات ۲۵ خرداد جبهه ملی و خنثی سازی طرح دستگیری سران این جریان بود. اما کشمیری هویت تشکیلاتی خود را پنهان کرده بود و تعداد کسانی که از عضویت او در سازمان مطلع بودند، زیاد نبود.

تام اول نفوذ

یکی از نخستین گام‌های نفوذ کشمیری به نهادهای دولتی، از حکمی بود که مسئول دفتر مهندس بازرگان، نخست‌وزیر وقت به او داد تا اجازه دسترسی به پرونده‌های نیروهای هوایی را داشته باشد. طبق این حکم در تاریخ ۹ تیر ۱۳۵۸، کشمیری به اسناد طبقه‌بندی شده تارده «به کلی سری» در نیروی هوایی دسترسی داشت، اسنادی که گاه در اختیار فرمانده نیروی هوایی هم قرار نگرفته بود. او از این طریق موفق شد برخی پرونده‌های مربوط به آمریکا، خاصه مشارکت در کشتار ۱۷ شهریور، طرح جوش، ilbox و... را دریافت و از پایگانی خارج کند. اگرچه در مسیر رسیدگی سالهای بعد، رسیدهای او برای دریافت پرونده‌ها و جود داشت، اما معلوم نبود مفاد آن چه بوده است. او سپس به کمیته انقلاب اسلامی مستقر در رکن دوم ارتش جمهوری اسلامی منتقل شد و یکی از اعضای اصلی ستاد خنثی سازی «کودتای نقاب» انتخاب شد و در این جایگاه، به یکی از کلیدی‌ترین اطلاعات امنیتی ارتش دست یافت. او که به عنوان فردی مذهبی و خستکی ناپذیر شناخته می‌شد، با نظم‌دهی به اطلاعات بازجویی‌ها و مدیریت آنها، اعتماد همه را جلب کرد. در ادامه، به دفتر سیستم و بلوچستان معاونت سیاسی اجتماعی نخست‌وزیری منتقل شد و این مسیر تا جانشینی جانشینی خسرو تهرانی ادامه یافت که دبیر شورای امنیت کشور بود. در آن مقطع شورای عالی امنیت ملی هنوز شکل نگرفته بود و شورای امنیت کشور عالی‌ترین نهاد امنیتی محسوب می‌شد. تصمیمات آن برای دادستانی، کمیته‌ها، سپاه، آموزش و پرورش، جهاد سازندگی، جهاد دانشگاهی، وزارت ارشاد و رادیو و تلویزیون لازم‌الاجرا بود. کشمیری در این جایگاه چنان مورد اعتماد قرار گرفته بود که مسئولیت پیگیری و هماهنگی عملیات مربوط به شناسایی و بمباران رادیو مجاهد را نیز بر عهده داشت و به نحوی نقش بازی کرد که سقوط هواپیمای مأمور به بمباران رادیو مجاهد، طبیعی جلوه کرد و حتی قصد داشتند او را به جلسه مهمی با حضور امام خمینی ببرند و او در صدد ترور امام بود که با تذکر غیرمترقبه حاج احمدآقا برای بازرسی همه کسانی که به جلسه می‌آیند، آن توطئه خنثی شد. بعدها یکی از اعضای ستاد خنثی سازی کودتا نقل کرد وقتی به دیدار امام رفته بودیم، ایشان نسبت به اینکه باید نگران نفوذ بین خودتان باشید، تذکر دادند اما برخی آن را به تعبیری عرفانی تفسیر کردند: صبح آن روز که کشمیری قصد ترور امام را داشت هم امام خود به احمدآقا تذکر ضرورت دقت بیشتر را داده بودند.

ترور سی ام او

بمب از قبل آماده و در کیف دستی جاسازی شده بود و جعفر تهرانی با نام مستعار فرهاد کاظمی، که مسئول نیروهای نفوذی سازمان بود، آن را به کشمیری تحویل داده بود. کشمیری با استفاده از مجوز تردد و بدون بازرسی وارد اتاق جلسه شورای امنیت شد. او در جایگاه دبیر جلسه، یعنی کنار صندلی رئیس نشست و بمب را زیر میز در کنار پای شهیدان رجایی و باهنر قرار داد. در میانه جلسه به بهانه بررسی قرار دادن یکی از موضوعات در دستور، به سراغ خسرو تهرانی رفته و دقایقی با او صحبت می‌کند و پس از آن جلسه را ترک می‌کند.

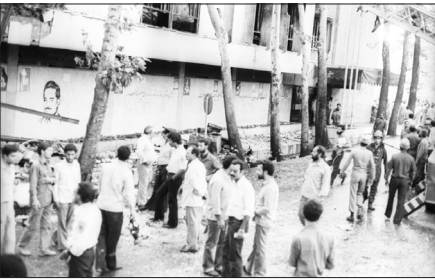
عجیب آنکه اساسا کشمیری عضو رسمی جلسه نبود و در صورت شرکت به عنوان مدعو جهت کمک به دبیر جلسه نیز، باید در انتهای ضلع طولی چپ میز می‌نشست، ولی از جلسه قبل از انفجار، بر صندلی دبیر اصلی جلسه و در کنار رئیس خود را جانمایی کرده بود. حدود ۱۵ دقیقه بعد از خروج او انفجار رخ



عزل او تنظیم شده است و سلسله وقایعی را روایت می‌کند که نشان از غیرمنفرد بودن نفوذ او و باقی ماندن بخش‌هایی از همکاری‌ها در ساختار داشت. عزل لاچوردی چند روز پس از آن رخ داد و هاشمی رفسنجانی در روزنوشت‌هایش درباره آن نوشته است: «احمد آقا آمد [...] گفتند امام از عزل آقای [اسلامی] لاچوردی [دادستان انقلاب تهران] بی اطلاع بوده و راضی نیستند.»

با عزل شهید لاچوردی، پرونده برای مدتی مسکوت ماند و ادامه تعقیب آن نیز با فراز و نشیب‌های جدی مواجه شد. ماجرای پیچ و خم این پرونده و چرایی حکم امام به مسکوت ماندن آن پرونده پس از گزارش موسوی خوئینی‌ها، در شرایط افزایش مناقشات جناحی در کشور و نیز برنامه‌ریزی برای عملیاتی بزرگ و سرنوشت‌ساز نیازمند مروری جداگانه است، اما نافی نگرانی‌ها از آن شبکه نفوذ نیست. برخی از متهمان این پرونده در سال‌های بعد مسئولیت‌های خطیری داشتند که از آن جمله، در حوزه تصمیمات کلان برای فضای مجازی کشور بود. اگرچه رخدادهایی همچون نقش آفرینی تلگرام در آشوب‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ فرضیاتی را به ذهن متبادر می‌سازد، اما تا زمان تکمیل تحقیقات قضایی درباره آن پرونده و صدور رأی نهایی، نمی‌توان اتهام هیچکدام از دیگر متهمان را قطعی تلقی کرد، همانطور که اصل ۳۷ قانون اساسی تأکید دارد: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم محسوب نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.»

اما این امر، نباید موجب غفلت از مطالبه رسیدگی به این پرونده ناتمام شود. اینک با گذشت ۴۵ سال از آن تاریخ، باید انتظار داشت شبکه نفوذی مذکور، با کادرسازی و پیچیده‌تر کردن عملکرد خود، همچنان در راستای تأمین منافع آمریکا عمل کند، در سطوحی که شاید دیگر نسل اول نفوذ هم مستقیم درگیران نباشد.



داد. شدت انفجار به اندازه‌ای بود که ساختمان را لرزاند و آتش و دود در

بخش‌های مختلف آن پیچید. نوع انفجار به صورت گلدسته‌ای بود؛ به همین جهت برخی حضار در جلسه که در شعاع انفجار قرار نداشتند، آسیب جدی ندیدند.

اقدامات عجیب پس از انفجار

پس از انفجار، محسن سازگارا و بهزاد باستانی به روابط عمومی نخست‌وزیری رفتند و مدعی شدند که کشمیری کاملاً سوخته و چیزی از او باقی نمانده است. در صبح روز تشییع جنازه شهید، روابط عمومی نخست‌وزیری در اعلامیه‌ای رسمی شهادت کشمیری را اعلام کنند. برخی دیگر از اعضای نخست‌وزیری هم بخشی از خاکسترهای محل انفجار را جمع کرده و به عنوان جنازه کشمیری، به همراه اجساد شهید رجایی و شهید باهنر به بهشت زهرا منتقل کردند. اسم کشمیری به عنوان شهید سوم از تربیون مراسم در جلوی مجلس پخش شد. جنازه ساختگی بدون نظریه پزشک قانونی و بدون اخذ جواز دفن، به طور غیرقانونی در کنار قبر شهید رجایی دفن شد. در حالی که کلیه تشریفات برای دفن جنازه‌های رئیس جمهور و نخست‌وزیر انجام شد.

همزمان از سوی نهادهای امنیتی تحقیقات درباره سوابق و ارتباطات او آغاز شد. در بازرسی از منزل او در مهرشهر کرج، مقادیر زیادی سلاح، مهمات و اسناد طبقه‌بندی شده کشف شد. تحقیقات اولیه به سرعت به یک شبکه گسترده از همکاران و حامیان کشمیری در سطوح بالای امنیتی و اجرایی کشور منجر شد و ارتباطات گسترده و خانوادگی او با سازمان منافقین نیز آشکار گشت.

موضع دو گانه سازمان

مسعود رجوی، یک ماه قبل از این عملیات در کنار بنی صدر و به کمک محسن کلاهی (برادر عامل انفجار حزب جمهوری اسلامی و نفوذی سازمان در همافران) با ربابیش هواپیمای بوئینگ ۷۰۷، وارد پاریس شده بود و حمایت‌های مختلفی از دولت فرانسه دریافت کرده بود. اعلام رسمی چنین عملیات تروریستی، ممکن بود موجب واکنش‌هایی در اروپا شود که مطلوب سازمان نبود. از این رو، سازمان به صورت رسمی این عملیات را اعلام نکرد. اما با ادبیات‌های مختلف نشان داد که خود مسئول آن بوده است. از جمله متنی توسط مسعود کشمیری در رادیو مجاهد خوانده می‌شود که فعالیت‌های او در معرفی می‌شود که انفجار نخست‌وزیری را هم شامل می‌شد. پس از سقوط صدام فیلمی از دیدار مسعود رجوی با ژنرال حبوش، مسئول استخبارات عراق به دست آمد که رجوی در این دیدار می‌گوید کاخ سفید می‌دانست چه کسی مسئولیت انفجار دفت حزب جمهوری اسلامی و دفتر نخست‌وزیری در ۸ شهریور ۱۳۶۰ است و رسماً نقش سازمان و منفعت آمریکادر این دو انفجار را تأیید کرد.

شبکه‌ای که باقی ماند

بر اساس گزارش ۵۰ صفحه‌ای شهید سیداسدالله لاچوردی، دادستان وقت انقلاب مرکز، که در دی ماه ۱۳۶۳ ماجراهای این انفجار پیچیدگی مضاعفی داشته است. از چگونگی نفوذ و دادن دسترسی‌ها و حتی سپردن مسئولیت برخورد با سازمان منافقین تا چگونگی «شهیدسازی»، انتقال اسناد از منزل کشمیری به کمیته اداره دوم و از همه عجیب‌تر، عدم اعلام مشخصات او به ژاندارمری و مرزبانی برای پیشگیری از فرار او! طبق مستندات این گزارش این حادثه، نتیجه سال‌ها نفوذ سازمان یافته در دل امنیت کشور بود. پس از انفجار، همان شبکه با جسدسازی و صدور بیانیه «شهادت کشمیری» و دخل و تصرف در اسناد، تلاش کرد تا آثار جنایت را بپوشاند. این گزارش در آخرین روزهای مسئولیت شهید لاچوردی و توطئه

یادداشت

محصول ناخواسته
جنگ آمریکا با ایرانپدرام حسینی
روزنامه‌نگار

تا کر کارلوسن، چهره مشهور رسانه‌ای آمریکا که زمانی از حامیان مهم ترامپ و جریان MAGA بود، حالا به یکی از منتقدان جدی مسیر جنگ تبدیل شده است. او درباره گزینه‌های مطرح‌شده در پنتاگون گفته است که استفاده از سلاح هسته‌ای تاکتیکی علیه ایران در بحث‌های مربوط به نحوه پاسخ آمریکا مطرح شده است.

حال اگر احتمال استفاده از سلاح هسته‌ای علیه ایران حتی به سطح بحث در محافل آمریکایی رسیده باشد، ایران چگونه باید تضمین کند که در جنگ بعدی، مهاجم هزینه‌ای غیرقابل تحمل پیش روی خود می‌بیند؟

سرگتی لاوروف نیز هشدار داده است که جنگ آمریکا و اسرائیل می‌تواند نتیجه‌ای معکوس داشته باشد: سوق دادن ایران و حتی دیگر کشورهای منطقه به سمت بازنگری در گزینه هسته‌ای. این همان شکست راهبردی بزرگ است. نمی‌توان کشوری را بمباران کرد، تأسیساتش را هدف گرفت و هم‌زمان انتظار داشت که تمام محاسبات امنیتی آن کشور بدون تغییر باقی بماند. جنگ، دکترین‌ها را تغییر می‌دهد.

استیفن والت، استاد مشهور روابط بین‌الملل هاروارد، نیز در گفت‌وگوی اخیر خود بر همین تناقض تأکید کرده است: حمله برای جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران می‌تواند دقیقاً انگیزه‌های حرکت در این مسیر را افزایش دهد. در منطق واقع‌گرایانه، مسئله اصلی «استفاده از بمب» نیست؛ مسئله این است که آیا داشتن توان بازدارندگی، احتمال حمله را کاهش می‌دهد یا نه. تجربه کره شمالی، پاکستان و هند نشان داده که سلاح هسته‌ای بیش از آنکه سلاح میدان نبرد باشد، سلاح محاسبه است. کارکرد اصلی آن این است که دشمن را وادار کند پیش از شلیک، هزینه شلیک را محاسبه کند و اظهارات جدید ترامپ درباره ی رهبر کره شمالی این را تأیید کرد.

ایران امروز با یک واقعیت تلخ مواجه است: آمریکا و اسرائیل حمله کردند تا ایران را برای همیشه خنثی کنند؛ اما همین جنگ می‌تواند این پیام را در ذهن تصمیم‌گیران تثبیت کند که کشوری که بازدارندگی اتمی ندارد، ممکن است هدف حمله قرار گیرد؛ کشوری که هزینه حمله را نجومی می‌کند، سخت‌تر مورد تعرض قرار می‌گیرد. بنابراین بحث بازدارندگی هسته‌ای را نمی‌توان با شعار و تابو پاسخ داد. وقتی دشمن، حتی گزینه هسته‌ای تاکتیکی را روی میز می‌گذارد، طبیعی است که ایران نیز باید درباره آینده امنیت ملی خود از نو محاسبه کند. این به معنای ساده‌انگاری درباره هزینه‌های هسته‌ای شدن نیست؛ اما یک اصل در سیاست قدرت را نمی‌توان نادیده گرفت: صلح پایدار معمولاً زمانی شکل می‌گیرد که طرف مقابل مطمئن باشد جنگ، پیروزی آسانی نخواهد بود. شاید بزرگ‌ترین خطای محاسباتی آمریکا همین باشد؛ جنگی که با هدف جلوگیری از بازدارندگی هسته‌ای ایران آغاز شد، ممکن است بیش از هر توافقی و مذاکره‌ای، این سؤال را برای ایران جدی کند که آیا بدون بازدارندگی راهبردی، می‌توان امنیت پایدار ساخت؟

آدرس‌های غلط
دولتی‌ها

بهبان هسته‌ای بسیار نخ‌نما شده است. پیش از جنگ با ایران ۱۸ نهاد اطلاعاتی و امنیتی آمریکا اذعان کردند که ایران به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیست. بسیاری از منتقدان رئیس‌جمهور آمریکا در واشنگتن نیز معتقدند اگر ترامپ به دنبال دورکردن ایران از سلاح اتمی بود بهترین راه بازگشت به برجام و تحمیل دوباره محدودیت‌های هسته‌ای ایران است. ترامپ حاضر به توافق با ایران نیست چون او مساله‌ای فراتر از هسته‌ای در ذهن داشته و دارد. ساده‌لوحان داخلی در برابر فهم همین منطق می‌کنند.

هسته‌ای، بازدارندگی و حتی تصمیمات دوره رهبری شهید نسخه می‌پیچند. وجه مشترک این چهره‌ها نیز یا نسبت خانوادگی یا دوستی با پزشک‌ها است؛ اتفاقی که زنگ خطر بازگشت «آف‌زاده‌ها و رفقا» را بلندتر از همیشه به صدا درآورده است.



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

معاون رئیس‌جمهور و فرزند پزشک‌ها درباره علت جنگ به مردم آدرس غلط می‌دهد

نسخه تسلیم از پاستور

چند روزی است صحنه سیاست ایران شاهد اظهارنظرهایی عجیب از سوی افرادی است که نه جایگاه رسمی روشنی در ساختار تصمیم‌گیری دارند و نه تخصص مشخصی در حساس‌ترین پرونده‌های امنیت ملی؛ اما با اعتماد به نفسی عجیب درباره راهبرد

در مسیری قدم برمی‌دارد که راه را برای دشمن هموار می‌کند و تصویری ضعیف و مستاصل از ایران به آمریکا مخابره می‌کند.

عبرت حسن نیت‌های دولت پزشک‌ها
و پاسخ دشمن

ساکنان پاستور تلاش دارند تا جنگ را نتیجه عدم معامله بر سر مساله غنی‌سازی نشان دهند. این درحالی است که ایران همواره در پرونده هسته‌ای اهل حسن نیت بوده است. یک بار تعلیق کامل فعالیت‌های هسته‌ای در سعدآباد و بروکسل در بازه ۸۲ تا تیر ۸۴ تجربه شد و نتیجه آن، نه پایان فشار، که صدور ۷ قطعنامه شورای حکام و نهایتاً ارسال پرونده ایران به شورای امنیت در بهمن ۸۴ بود. سال‌ها بعد نیز برجام با محدودیت‌های گسترده بر برنامه هسته‌ای ایران اجرا شد؛ اما حاصل آن برای ایران، استمرار فشار، تحریم، مکانیسم ماشه و در نهایت رسیدن به نقطه جنگ بود. حتی در دوره اخیر یعنی از فروردین ۱۴۰۴، نیز مسیر دیپلماسی و امتیازدهی بارها آزموده شد اما آمریکا حتی مداخلات جویی دولت پزشک‌ها را هم پذیرا نبود.

اظهارات ولادیمیر پوتین در کنفرانس خبری روز ۸ می ۲۰۲۶ همین مساله را نشان می‌دهد. رئیس‌جمهور روسیه تصریح کرده که پیش از ۹ اسفند ۱۴۰۴، «ایران با رقیق‌سازی و انتقال اورانیوم با غنای ۶۰ درصد موافقت کرده بود، اما این آمریکا بود که مخالفت کرد و خواستار انتقال آن صرفاً به خاک آمریکا شد.» یعنی حتی یک عقب‌نشینی قابل توجه نیز نتوانست رضایت واشنگتن را تأمین کند

سعید لیلاز به نقل از شهید علی لاریجانی درباره مذاکرات میان دو جنگ نیز نشان می‌دهد عقب‌نشینی ایران کارساز نبوده است. لیلاز گفته است «از مهر ۱۴۰۴ طرف ایرانی چندین بار پیشنهادهای خود را تعدیل کرد، اما هر بار طرف آمریکایی خواسته‌های بیشتری مطرح کرد تا نهایتاً این جمع‌بندی

روزهای اخیر اظهار نظر پرحاشیه‌ترین نزدیکان رئیس‌جمهور شدت بیشتری به خود گرفته. در همین چارچوب، ابتدا جعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، در اظهارنظری جنجالی گفته بود: «من اگر بودم و می‌دانستم آمریکا رهبر ما را شهید می‌کند، دست از غنی‌سازی برمی‌داشتم؛ قرار نیست همه ما شهید شویم.» این سخن، فارغ از موضع سیاسی گوینده که بدون هیچ سابقه اجرایی و فقط به دلیل رفاقت با پزشک‌ها به پست معاونت رئیس‌جمهور رسیده، یک مسئله اساسی را ایجاد می‌کند که قائم‌پناه بر اساس کدام مأموریت و تخصص باید درباره یکی از ارکان راهبرد امنیت ملی کشور چنین نسخه‌ای ارائه کند؟ ما چرا به همین جا ختم نشد.

یوسف پزشک‌ها، فرزند پرحاشیه رئیس‌جمهور، نیز وارد میدان شد؛ فردی که منصب سیاسی رسمی ندارد، اما درباره یکی از حساس‌ترین مسائل کشور چنان سخن می‌گوید که گویی عضو تصمیم‌گیر در حوزه امنیت ملی است. او در دفاع از جعفر قائم‌پناه گفته است: «این همه فضا سازی و حمله به دکتر قائم‌پناه نشان‌دهنده سطح پایین توسعه‌یافتگی ماست... غنی‌سازی نه اصول دین ماست، نه ناموس ماست و نه حیات ما به آن وابسته است.» وی سپس غنی‌سازی را تابع محاسبه هزینه و فایده دانسته و گفته است اگر منافع کشور در غنی‌سازی باشد باید ادامه پیدا کند و اگر نباشد باید متوقف شود.

اظهارات فرزند رئیس‌جمهور در شرایطی است که او هیچ تخصصی درباره غنی‌سازی، توان موشکی، بازدارندگی و راهبرد هسته‌ای کشور ندارد به همین جهت مواضعی اتخاذ می‌کند که در نهایت نسخه تضعیف ایران را می‌پیچد و کشور را بی‌دفاع می‌کند. او دانسته یا نادانسته

یادداشت

درباره بازگشت خواننده هتاک

علی نقدی
روزنامه‌نگار

محسن نامجو خواننده هتاک سابق و «هنرمند» وطن دوست امروز، اخیراً بعد از حدود بیست سال به ایران بازگشته است. او پس از شهادت امام شجاع ما در اینستاگرامش ویدئویی از یک اجرای قدیمی گذاشت که در آن -حتماً لا مثاثر از یک ماده مخدر یا محرک- در حال هتاکي به رهبر عزیز و شهید ماست. او ذیل همان ویدئو نوشت که پس از شهادت فخر مسلمین جهان ۳۷ ساعت خوشحالی کرده و جیغ کشیده است.

البته مواضع اخیر نامجو با گذشته متفاوت بوده است. او به یکی از مطرب‌های پادوی پهلوی که تهدید کرده بود قرآن را آتش میزند، تاخت و چندین بار علیه پهلوی چیان موضع گرفت. این مواضع در سطح آدمی مثل نامجو قابل تقدیر است، اما در مقایسه با ایستادگی و مواضع مردم رشید و مقاوم ایران تقریباً «هیچ» به حساب می‌آید.

با این حال مراد این نیست که فشاری به نامجو آورده شود و یا لزوماً ممنوعیت و محدودیتی براو اعمال شود -البته ماجرای قوه قضاییه و جرایم احتمالی نامجو متفاوت است و تصمیم با دستگاه قضایی است. نامجو در موسیقی و آواز ایران نامی فراموش‌شدنی است، اما مسئله یادداشت حاضر این است که سهم نامجو و نامجوها در کلنگی کردن کشور و ایجاد دوقطبی میان مردم فراموش نشود.

نامجو که حالا درباره هتک حرمت قرآن به دیگران تذکر می‌دهد، اولین کسی بود که در کشور به سمت اجرای قرآن به شکلی موهن در قطعه‌هایش رفت. او از اولین کسانی بود که بعد از حوادث سال ۸۸ مستقیماً در یک قطعه رهبر شهیدمان را خطاب قرار داد. او همچنین در قطعه‌های زیاد دیگری به تحقیر تاریخ و ملت ایران پرداخته است و «خودتحقیرگری» امروز که در سایه آن اقبال به باند پهلوی رشد کرده، حاصل تلاش شبانه‌روزی امثال نامجو در فرهنگ کشور بوده است.

با این حال تاریخ پرست از شخصیت‌هایی که از تاریکی به نور پیوسته‌اند و یک‌شبه ره صدساله رفته‌اند. اما در این دست موارد، لازم است امثال نامجو حداقل بابت رفتارها و فعالیت‌های گذشته‌شان از ملت ایران عذرخواهی کنند و سعی کنند گذشته خود را جبران کنند.

تلویزیون در آستانه فصل تازه سریال‌سازی؛ از بازگشت چهره‌های آشنا تا تولیدات جدید

سونامی سریال در راه است!

پروژه‌های تازه تلویزیون قرار گرفته است. این تغییرات در شرایطی رخ می‌دهد که آمار مخاطبان، همچنان مهم‌ترین معیار برای سنجش موفقیت سریال‌های تلویزیونی است. بر اساس روند آماری تماشای برنامه‌ها، تلویزیون در تلاش است با تنوع ژانری و استفاده همزمان از چهره‌ها و قالب‌های آشنا و تولیدات تازه، بخشی از مخاطبان از دست‌رفته خود را دوباره پای گیرنده‌ها بنشانند.



۶ مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

صداوسیما در آستانه فصل جدیدی از سریال‌سازی قرار گرفته است؛ فصلی که قرار است بخشی از خلأ ایجادشده در جدول نمایشی تلویزیون را با مجموعه‌های جدید پر کند. نگاهی به عناوین حاضر در چرخه تولید و پخش نشان می‌دهد سیاست تلویزیون تنها بر تولید آثار جدید متمرکز نیست، بلکه همزمان از ظرفیت مجموعه‌های شناخته‌شده و برنده‌های قدیمی نیز استفاده می‌کند.

در حال حاضر کارآگاه علوی و اکسیر روی آنتن هستند و در کنار آنها چند عنوان دیگر برای پخش یا تکمیل مراحل تولید در نظر گرفته شده‌اند. دیوار دفاعی، مرد سه‌هزارچهره، نسخه آزمایشی، ماه عسل و حماسه زاگرس از جمله پروژه‌هایی هستند که می‌توانند ترکیب تازه‌ای به جدول نمایشی تلویزیون بدهند. اهمیت این تغییرات زمانی بیشتر می‌شود که عملکرد تلویزیون را از زاویه آمار مخاطبان بررسی کنیم.

در سال‌های اخیر، کاهش سهم تلویزیون از سبد مصرف رسانه‌ای و رقابت جدی با پلتفرم‌های نمایش خانگی باعث شده میزان بیننده و رضایت مخاطب به یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های ارزیابی تولیدات جدید تبدیل شود. به همین دلیل، صرف قرار گرفتن یک سریال در جدول پخش نمی‌تواند موفقیت آن را تضمین کند و آنچه در نهایت اهمیت دارد، میزان دیده‌شدن و استمرار تماشای اثر است.

کارآگاه علوی از این منظر یک انتخاب قابل توجه محسوب می‌شود؛ چراکه تلویزیون با بازگرداندن یک عنوان شناخته‌شده، از سرمایه‌آشنایی مخاطب با شخصیت‌ها و فضای مجموعه استفاده می‌کند. اکسیر نیز به عنوان یکی از تولیدات حاضر در آنتن، در همین فضای تازه باید بتواند جایگاه خود را در میان گزینه‌های متعدد سرگرمی

یادداشت

ونیز؛ واترز و مسئله فلسطین

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

راجر واترز سال‌هاست که بابت مواضع صریحش درباره فلسطین، هزینه می‌دهد؛ اما آنچه او را از بسیاری از چهره‌های مشهور دنیای هنر متمایز می‌کند، دقیقاً همین ناتوانی در سکوت است. او ترجیح داده اعتبار و شهرتش را خرج موضعی کند که برایش هزینه دارد، نه اینکه در حاشیه امن شهرت، درباره انسانیت و صلح حرف‌های زیبا بزند و هنگام مواجهه با واقعیت، سکوت کند.

این بار نیز واترز، همراه با شماری از هنرمندان، خواستار حمایت رسمی جشنواره ونیز از فلسطین و غزه شده و حتی پیشنهاد کرده پرچم فلسطین در محل برگزاری جشنواره به اهتزاز درآید. خواسته‌ای که دست‌کم ارزش شنیده‌شدن دارد؛ به خصوص از سوی جشنواره‌ای که سال‌هاست خود را یکی از مهم‌ترین نهاد‌های فرهنگی جهان معرفی می‌کند.

اما پاسخ ونیز چیست؟ لغو نشست خبری جشنواره.

ممکن است برگزارکنندگان برای این تصمیم دلایل دیگری ارائه کنند، اما هم‌زمانی آن با فشارهای اخیر درباره فلسطین، پرسش مهمی ایجاد می‌کند: آیا جشنواره از سیاست فاصله گرفته یا فقط از سیاستی که خوشایندش نیست؟

اینجاست که تناقض ونیز عریان می‌شود. اگر هنر نباید سیاسی باشد، چرا در طول سال‌های گذشته فیلم‌ها و چهره‌های سیاسی، جنگ، اشغال، مهاجرت، تبعیض و بحران‌های اجتماعی بارها در همین جشنواره موضوع بحث بوده‌اند؟ ظاهراً مسئله ورود سیاست به هنر نیست؛ مسئله این است که چه سیاستی وارد شود و درباره چه مردمی سخن گفته شود.

واترز دست‌کم در این میدان دوگانه بازی نمی‌کند. او موضعش را روشن کرده و حاضر شده هزینه‌اش را هم بپردازد. می‌توان در همه مواضع با او موافق نبود، اما نمی‌توان این صراحت در دفاع از فلسطین را نادیده گرفت.

ونیز اگر نمی‌خواهد سیاسی باشد، باید برای همه یک معیار داشته باشد؛ نه اینکه وقتی فلسطین به در جشنواره می‌رسد، ناگهان فیگور بی‌طرفی کشف شود.

لغو نشست خبری شاید چند سؤال را عقب بیندازد، اما یک چیز را پررنگ‌تر می‌کند: گاهی سیاسی‌ترین رفتار، ادعای بی‌طرفی، و همچنین سکوت، اوج سیاسی‌کاری است.

می‌شود که با خفاشی سیاه درگیرند. آن‌ها درمی‌یابند که پیامبر (ص) برای در امان ماندن از دشمنان، در این غار پناه گرفته‌اند. عنکبوت‌ها با تنیدن تار و کبوتر با خوابیدن روی تخم‌هایش، به فرمان خدا دشمنان را گمراه می‌کنند تا پیامبر به سلامت هجرت کند. در این نمایش، مژگان علیپور، پریا عباسی، میترا ظریف، اکرم عباسی، شکوفه علیزاده، فاطمه یعقوبی، فاطمه فیروزیان، و جیهه کارگر، غلامرضا محمدی و زنده‌یاد رضا رضاپور عروسک‌گردانی می‌کنند. عوامل تولید شامل فرشته ابراهیمی (طراح صحنه و عروسک)، اکرم عباسی (طراح لباس)، غلامرضا محمدی (طراح نور و دستیار کارگردان)، طاهره عرفانی (طراح گرافیک و عکاس)، امیررضا رثوف (تهیه‌کننده صدا)، مهدی افتخاری (صداپرداز) و آهنگسازان حسن انفرادی، امیر بیات و آرش بیات هستند. علی‌اکبر حلیمی مدیر تولید و عاطفه فیروزیان منشی صحنه این اثر هستند.



هم‌زمان با تابستان و برنامه‌های اوقات فراغت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به مناسبت هزار و پانصدمین سالروز میلاد حضرت محمد (ص)، نمایش عروسکی «مهمان غار» به صورت اینترنتی اکران می‌شود. این اثر روایتی جذاب از غار ثور در نزدیکی مکه است. داستان از زبان عنکبوت‌ها و کبوتری در دهانه غار روایت

نمایش مهمان غار به صورت اینترنتی اکران می‌شود